

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

در صفحات دیگر

وصیت نامه هوشی مینه  
بمناسبت یازدهمین سال درگذشت  
ص ۵  
داستان مهاجرین  
ص ۵

## کار از چه قرار است

نزد يك پمسه هفتما زنا مزدی آقا محمد علی رجائی بمسئلت نخست وزیری جمهوری اسلامی ایران می گذرد. حکم انتصاب رسمی ایشان نیز حد و آد ه روزی است که از سوی آقا ی رئیس جمهورها در شده است. در این مدت نامه ها و تلگرامهای شاد باش بسیار از داخل و خارج کشورید ست آقا ی رجائی رسیده و پاسخ های شایسته ایشان به مهم ترین آنها نیز دراد بوتلوویزیون و مطبوعات انتشار یافته است. جمهوری اسلامی ایران، پس از تصویب قانون اساسی، انتخاب رئیس جمهور، تشکیل مجلس شورای اسلامی و انتصاب نخست وزیر، ظاهراً همه افزارهای لازم را برای کار عادی و منظم نهاد های حکومت در اختیار دارد. با این همه، انتخاب وزیران و معرفی هیئت دولت گویی گرهی است که به د شواری و کنندی بازمی شود. علت چیست؟ آیا شرط مکتبی بودن و انقلابی بودن و کارآمد بودن چنان سنگین است که در سراسر این کشور سی و چند میلیونی بیست و د و سه تن، کمتر یا بیشتر، نمی توان یافت که واجد چنان شرط یا شرایطی باشند؟ - نه. بی شک ما مرحله ای از همه بابت خطیر راد رزندگی کشوروروند انقلاب طی می کنیم که در آن آسان و سرسری نمی توان قبول مسئولیت کرد. اما در این هم جای شك نیست که ما فراوان افراد مصمم و شایسته داریم که با پشتیبانی و شرکت مؤثر توده ها از عهد وظایف این مرحله، هر قدر هم که خطیر باشد، برآیند. آیا جا به طلبی ها و رقابت های فردی یا گروهی است که در کشاکش بر سر قدرت کار را به نوعی گروکشی کشانده است و نمی گذارد و ولتی به هم پیوسته و هماهنگ شکل بگیرد و مستقر شود؟ - آری. این هست و بسا گفته ها و نوشته های علنی از زبان و قلم عالی ترین مقامات جمهوری اسلامی ایران بر آن دلالت می کند. - بگذریم آنچه در اوراقها در ریسته می رود و مردم از آن بی خبر می مانند. آنچه موجب حیرت و نگرانی می گردد آن است که طرفهای بلند پایه این کشاکش و اختلاف همه دم از مکتبی بودن می زنند و به اسلام استناد می کنند. بقیه در صفحه ۸

## کمپلکس نظامی صنعتی و سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا ۲

منافع و - به ویژه سود های - کمپلکس نظامی - صنعتی مستقیماً به ادامه مسابقه تسلیحاتی وابسته است که به عقیده رهبران کمپلکس نظامی - صنعتی در شرایط تشدید و خامت بین المللی به آسانی به خلقها تحمیل می شود. کمپلکس نظامی - صنعتی تشنج زدایی را تهدید می نماید برای منافع خود دانسته، این سیاست را با خصوصیت طبقاتی نسبت به نیروهای سوسیالیسم دموکراسی و صلح درمی آمیزد. جنبه گیری سخت و بیرحمانه ارتجاع امپریالیستی که پیرامون کمپلکس نظامی - صنعتی حلقه زده اند با سیاست تشنج زدایی ناشی از همین سیاست است. چنانکه می دانیم در ۱۹۲۲ در پی ملاقات سران شوروی و آمریکا تخفیف محسوس در تشنجات جهانی بوجود آمد. واکنش این سیاست "اعلام خطر" محافل نزدیک به کمپلکس نظامی - صنعتی ایالات متحده و آمریکا در مقیاس ملی بود. هدف از این "اعلام خطر" میراندن روند تشنج زدایی بین اتحاد شوروی و آمریکا در منطقه است. بقیه در صفحه ۲

## شورای همیاری اقتصادی

### سازمان تقسیم کار بین المللی اردوگاه ضد امپریالیسم

شورای همیاری اقتصادی، سازمان تقسیم کار بین المللی اردوگاه سوسیالیستی است. در حال حاضر در کشور: جمهوری دموکراتیک آلمان، بلغارستان، ویتنام، جمهوری کوبا، مغولستان، لهستان، رومانی، چکسلواکی و اتحاد شوروی و مجارستان در این شورا عضویت دارند. فعالیت شورا کمک متقابل اقتصادی کشورهای عضو را بر اساس تساوی کامل حقوق، احترام به حاکمیت ملی، تلفیق هماهنگ منافع ملی و بین المللی، سود متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر است. همکاری بیگروبرنامه های کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی به آنها امکان می دهد که بطور جامع عمده ترین وظایف اقتصادی ملی را در صنایع حمل و نقل و کشاورزی

## مسائل جبهه متحد ضد امپریالیستی در هند

نوشته: ا. و. مارتیشن  
ترجمه: جلال علوی نیا

رومی روپهم رفته توان انقلابی جنبش توده ای عدم خشونت به رهبری یک حزب ضد امپریالیستی را منکر می شد. او در این باره می نویسد: "گیش عدم خشونت از روحیه ضد انقلابی جدایی ناپذیر است. آنها که خواهان انقلاب در هند نیستند، میتوانند به روشهای عدم خشونت امید ببندند. روشهای عدم خشونت تفاوت اندکی با تبلیغ مشروطه خواهانند. ارد و هیچ ملتی در زواری زمین تا کنون از راههای مشروطه خواهانها انقلاب نکرده است." او عدم خشونت را میراث نیاکان معنوی گاندی، شاهان، روحانیون و فیلسوفان که به عقیده آنها در اسارت نگهداشتن مردم کار خوبی است، می دانست. نگ - روش دگماتیک و ساد و لولحانه روی نسبت به گاندی - یسم و را معتقد ساخت که سقوط آن قریب - ال توقع است. از زبانی او زگاندی یوگانند - یسم در سال ۱۹۲۲ و ۱۹۲۳ که گاندی با توجه به احتمال بروز خشونت در چواری چسورا خواهان متوقف شدن جنبش نا فرمانی مدنی شد، این چنین بود. در آن زمان حتی بسیاری از سونا لیستهای بورژوا از این تصمیم گاندی که این جنبش توده ای نیرومند را محدود می ساخت و تضعیف می کرد، به حق خشمگین بودند. روی ما هیت متضاد و ناپیگیر گاندی یسم و بهره گیری از آن تا کنیک عدم خشونت به منظور مهار انرژی انقلابی توده ها را بعد رستی یاد آور شد. اما از زبانی او از زواری اد ها تنها مبتنی بقیه در صفحه ۶

## اقتصاد سرمایه داری در آستانه دهه ۸۰

کامیابی انحصارات و ناکامی تنظیم دولتی

گرومبندی های انحصاری علی رغم تزلزل عمیق اقتصاد در دهه هفتاد به تحکیم و گسترش قدرت خود در سیستم اقتصاد سرمایه داری ادامه دادند. خروج از بحران که موجب ویرانی و ورشکستگی در همه هزار رنگا کوچک و متوسط شد، روند های تمرکز تولید و سرمایه ها را بحر - انگیخت. در دهه ۷۰ - چنانکه همیشه در سرمایه داری دید می شود - تمام نتایج منفی بقیه در صفحه ۴

## در هفته گذشته

تأخیر در معرفی کا بینه به مجلس هر روز نگرانی مردم ما می افزاید، باز - تاب این نگرانی عظیم را می توان در - خطبه نماز جمعه حاجت الاسلام خامنه ای امام جمعه تهران ملاحظه کرد: "من به عنوان زبان نماز - گزاران جمعه از این د و مسئول بلند پایه کشور از رئیس جمهور و نخست وزیر تقاضا می کنم هر چه زود تر کا بینه دولت را تشکیل دهند، بر روی افراد توافق کنند، معیارهایی را که امام معین کردند و مردم هم معتقد به همان معیارها اند، مرا - عات کنند. مکتبی، جوان، قاطع، فعال، مؤمن، انقلابی، خوش سابقه و لولغیر - معروف به عنوان وزیر بر سرستند در کا بینه. در شرایط ویژه و حساس کنونی سرعت عمل بصیرانه در این زمینه می تواند به بسیاری از زیلات کلیفی ها و سرد رگی ها حاکم بر امور مملکت پایا ن دهد. ونقشه های امپریالیسم آمریکا را به اعتبار انسجام ارگان های حساس کشورهای همگس و ضرورت آنها نقش بر آب سازد. صفحه ۸

## گواهی چشم و گوش ۸

۱۰ م به آذین

سرشب، در سالن اقامتگاه نشست ما به بوتلوویزیون چشم و ختام خبرها و گفتارها به هر دو زبان پشتو و دری بخش می شود. هر کس دم وقتی دارند و به دنبال هم می آیند، بی آنکه انزما ترجمه یکدیگر باشند، در رست همچنان که در روزنامه ها و مجلات می توان دید. و این برای آن است که فاصله های قومی کم شود و جدایی در میسبان نباشد. گوش می دهد. پشتو بر ایهامک بیگانه است، اما در همان فارسی خود مایست، با پارهای ویژگی های شیرین: "چه گپ شده؟" "پیرمردی آنجا شیشه بود." "برو پرسنان کن چه می خواهد؟" "چیزی را دید نمی توانم." "به با زا رخا همد رفتیم." دوستی شان روز به روز عمیق تر شد می رود. آقا ی محمود بریالی، به اتفاق نجم الدین، مسئول تشکیلات حزب، و انور، که تا ز به سمع منشی رئیس دولت نامزد شده است، بی خبر می آیند. شام با هم می خوریم و به گپ زد نمی نشینیم. سخن با د وستان افغانی ناگزیر از جنایات حفیظ الهامین می رود و از وحشت های زندان پل چرخ، نجم الدین، جوانی با ریک و پاکیزه رویا موهای بلوطی تیره و چشمان ریزورخشان سیاه، چهره امین را برای ترسیم می کند. بیانی هیجان زده دارد. پیدا است که امین هنوز در جان و زخمی در د تا ک و خون چکان است، همچنان که در د وستان د یگری که اینجا هستند، هر یک نکته ای می گویند، و آنچه یکی فراموش می کند، دیگری یاد آوری شود. بقیه در صفحه ۴

ماتوئیسیم  
یک تئوری کاذب  
در جنبش کارگری  
الف. پویا  
نظریات ضد مارکسیستی  
ماتوئیسیم در باره دوران کنونی  
وتصادهای آن  
صفحه ۳

### بقیه: کمپلکس نظامی-صنعتی

امروز این محافل می خواهند به جهان نیا بقبولانند که چیزی به نام تشنج زدایی نمی تواند وجود خارجی داشته باشد. مدافعان کمپلکس نظامی - صنعتی در راستای تحقیقاتی معاصر اثباتی - جمعی بنام "دفاع آمریکا" تحریر کرده اند که در آن این عنوان کوچک به چشم می خورد: "بسیوی نقش تازه ای در جهان پس از پایان تشنج زدایی". این عنوان بصراحت می خواهد بگوید: کار تشنج زدایی پایان یافته است. یکی از مؤلفان کتاب جیمز شلزنبرگر وزیر دفاع پیشین آمریکا که تا چندین پیش در وزارت نیرو انجام وظیفه می نمود، بصراحت خواسته است که "امید به تشنج زدایی را دور افکنید، زیرا ثابت شده است که چیزی اساسی است".

امروزه مخالفان تشنج زدایی که با تکیه بر امکانات کمپلکس نظامی - صنعتی در دستگاه دولت و کنگره در محافل واپس گرای سیاسی، رسانه های گروهی و محیط دانش علیه آن کارزار خصومت آمیزی به راه انداخته اند. سناتورهای ورهبران پنتاگون، ژنرال ها و دریاسالاران بازنشسته، مبلغان و آتشه کمپلکس نظامی - صنعتی در کارزار ضد تشنج زدایی محسوب می شوند. میلیتاریسم سخنگویان خاص خود دارد: چنانکه "گمیت" خطر موجود "رجال دولتی و نظامیان را استگرای باز نشسته چون پل نیتز، یوجین روستو، میتوریجوی، لیمن لهنیتز و غیره را دور خود گرد آورده است. آنها با مخالفان شوروی در سایه سازمانها که مخالف تشنج زدایی اند، مانند: نمایندگان انجمن "شوروی شناسان"، رهبران ارتجاعی سندیکاها، صهیونیستها و مبلغان سینماچک جنگ سرد در دبیرخانه های وسایل مهم خبری یک اتحاد را تشکیل می دهند. میلیتاریست های آمریکایی در اروپا با ختری همفکرانی دارند که کمتر از آنها نیستند. مانند: جوزف لونز دبیرکل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که سابقه همکاری با نازیها اخیرا آشکار شده، ژنرال انگلیسی ج. هکت مؤلف کتاب تحریک آمیز جنگ سوم جهانی، ژنرال بلژیکی کلوز که پیوسته به خاطر "ضعف" ناتو هشداری می دهد و دیگران.

در قلمرو سیاسی، ایدئولوژیهای ضد تشنج زدایی، به طور اساسی از این سیاست دفاع می کنند که تخفیف تشنج در دست نیست زیرا غرب بیشتر از آن زمان می بیند تا منفعت آنها مدعی اند که تشنج زدایی به سود اتحاد شوروی و متحدان وی است، ایالات متحد آمریکا و هم پیمانان وی در این معامله "بازنده" اند. آنها با تهر کامیابی که منصف نیروهای ترقیخواه و جنبش های رهایی بخش میشود، نیز در قبال هر شکستی که استعما ریا رژیم های هوادار امپریالیسم در جهان رگوشه جهان می بیند، به سیاست تشنج زدایی لعن و نفرین می فرستند. ایدئولوژیهای کمپلکس نظامی - صنعتی با فریاد اعلام می دارند: ببینید چگونه در چند سال بسیاری از کشورهای مناطق از دایره نفوذ غرب بیرون افتادند. و در این مورد آنگولا، اتیوپی و افغانستان را مثال می آورند. و بعد نتیجه می گیرند که سیاست تشنج زدایی این بلاها را سر ما آورد است. اما واقعیت چیز دیگری است، کامیابی های نیروهای ترقیخواه و جنبش های رهایی بخش ملی محصول عملکرد قوانین تحول اجتماعی است. این کامیابی ها به جوسپاست بین المللی وابسته نبود است، زیرا هم به هنگام جنگ سرد و هم در شرایط تخفیف درجه حرارت سیاست بین المللی امکان پذیر بود است.

گاه گاه در ایالات متحد آمریکا با اگر ما این اعتراف به گوش می رسد که "دست مسکو به هیچ وجه رهد ایت روند نوسازی اجتماعی جهان در زکارت نیست. چنانکه نیوزویک در ریه رسال ۱۹۷۹ را این بار نوشت: "سرچشمه" دگرگونی های سیاسی را باید در شرایط محلی که به انگیزه تا سیونالیسم، نابرابری و فساد انجام می گیرد، جستجو کرد. کرملین ۱۰۰۰ این شرایط را نمی آفریند. ایران نمونه "روشنی" در این زمینه است" (نیوزویک، آوریل ۹، ۱۹۷۹). اما این مانع از آن نیست که ایدئولوژیهای کمپلکس نظامی - صنعتی تشنج زدایی را همچنان به عنوان مشکل و اوضاع بین المللی که به میل شان نمی گردد، و نمود سازند.

مخالف کمپلکس نظامی - صنعتی در زمینه روابط بین المللی تئوری های خاصی در انبان دارند. این تئوری ها به بخرا بکاری در مفهوم تشنج زدایی و همزیستی مسالمت آمیزی پر از زنده و با اعمال به نظام سرمایه داری خد مت می کنند. گروهی از تحلیل گران آمریکایی به سرپرستی فوی کپلر سفیر سابق آمریکا در اتحاد شوروی، در ریسک رشته زکارت بهایی که در فاصله ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹ از جانب مرکز پژوهش های بین المللی میا می منتشر شد، کوشیدند، این اندیشه را القا کنند که همزیستی مسالمت آمیز نباید به قلمرو روابط بیند و لنتها محدود شود، بلکه باید قلمرو ایدئولوژیکی، پایه های اجتماعی و منافع متضاد طبقاتی و سیستم راد بر گیرد. آنها تأیید می کنند: چنانچه ایدئولوژی های متفاوت به ساز و آشتی نرسند، تشنج زدایی بیهود هونا ممکن است. در ریافت فوی کپلر و همکاران وی از "روابط بین المللی" مبتنی بر همگرایی و سیستم است که در نتیجه آن آنها به یکدیگر نزدیک شد نمود زنها به تباطی متطبق می شوند. نظرات آن در این

همگرایی این است که سرمایه داری عملا دست نخورد باقی بماند. ولی سوسیالیسم برای انطباق با سرمایه داری امتیازات اصولی بدهد. راه مصالحه در پیش گیرد و از تخفیر در ماهیت طبقاتی اش استقبال کند. در این همگرایی برای محافل امپریالیستی این حق وجود دارد که زهر شیشه و منجمله زنیروهای مسلح برای دفاع از منافع خود استفاده کنند و ارا ده خود را به دیگران تحمیل نمایند. در عوض کشورهای سوسیالیستی حق دارند از اعتقادات و اندیشه هایشان دفاع کنند و حملات دشمنان ایدئولوژیکی را رگری و اوا پس زنند. چنین تفسیری از تشنج زدایی و همزیستی مسالمت آمیز که کرایش - های سیاسی و امپریالیستی تطبیق دارد، گریز آشکار از واقعیت است.

حملات علیه تشنج زدایی سیاسی در ایالات متحد آمریکا هدف غیر قابل چشم پوشی دیگری را نیز تعقیب می کند. محافل میلیتاریستی با تمایل به فن کردن تشنج زدایی می کوشند طرح های فراموش شده "رهبری جهانی" ایالات متحد را احیا کنند و موقعیتی بوجود آورند که این کشور بتواند در سرنوشته بخش غیر سوسیالیست جهان تصمیم بگیرد. رویا های بلند پروازانه "عصر آمریکا" و "منحصربه فرد بودن آمریکا" از ذهن رهبران سرمایه داری آمریکا بیرون نرفته است. امروز میلیتاریست های این کشور اعلام می دارند که ایالات متحد آمریکا دارای این شان است که در وساره خود را به عنوان نیروی رهبری جهان تحمیل کند. آنها می گویند: "اعم از این که برای ما خوش آیند باشد یا نه ساختار کنونی سیاست جهانی چنان است که آمریکا به عنوان یگانگ نقد رتی که منابع مکتفی در اختیار دارد، می تواند در ریاضی جدی "مواضع قدرت" شرکت جوید".

در عین حال این "بازی" باید متحد بین ایالات متحد را جلب کند. مدافعان کمپلکس نظامی - صنعتی آمریکا روش تحقیر آمیزشان را نسبت به کشورهای دیگر سرمایه داری هیچ پنهان نمی کنند. آنها بصراحت می گویند اروپای غربی و ژاپن "عدن های غیر نظامی هستند که خود را با وضعی تطبیق دادند که دیگران از آنها دفاع کنند، و بدین سان نقش خاص شان را به بعدا حقیقانه مدنی و منطقه ای محدود ساخته اند".

اگر تشنج زدایی ایجاب می کند که گفتگوی آزاد یه بر اساس برابری بین همه دولت ها پذیرفته صورت گیرد، محافل صنایع اسلحه سازی و سیاسی محافظه کار ایالات متحد همایل نیستند حتی با نزدیک ترین شرکای خود در رناتوبه گفتگو بنشینند و آنها را در رهبری امور جهانی شرکت دهند. بنا بر این، کارزار ضد تشنج زدایی روی دیگر یک سکه را نشان می دهد که بر اساس آن ایالات متحد همی کوشد شرکای سرمایه داری خود را از اهرم های رهبری سیاست بین المللی دور سازد.

مقاومت کمپلکس نظامی - صنعتی در برابر تشنج زدایی سیاسی هنگامی افزون می شود که مساله کاهش سطح رویا رویی نظامی مطرح گردد. رهبران محافل نظامی - صنعتی که در جهت جلوگیری از تشنج زدایی نظامی تلاش می ورزند، با افشاندن بذر ترس در دلها و نمود می سازند که تن دادن به چنین اقدامی خطرات زیادی در بردارد و حتی می تواند موجودیت "جهان آزاد" را به خطر اندازد. به گواهی اظهارات ایدئولوژیهای مخالف تشنج زدایی، جامعه سرمایه داری نمی تواند بدون زنده محکم از یاد تکیه گاهها و پایگاه های سلاح های هسته ای بماند. خود امید واریا شد. ایدئولوژیهای کمپلکس نظامی - صنعتی با هر نوع اقدام عملی در زمینه تشنج زدایی نظامی مخالفت می کنند. آنها افکار عمومی ایالات متحد در کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی را با تصویر د ورنمای فاجعه انگیزی که با پذیرش اصل محدود کردن تسلیحات در انتظار آنها است، می ترسانند. آنها موقعیت استراتژیک ایالات متحد را تشویش انگیزی می دانند. تئوری پر از ان کمپلکس نظامی - صنعتی حتی تاریخ دقیق عقب ماندن ایالات متحد در زمینه تسلیحات معین کرده اند. این تاریخ سال ۱۹۸۵ است. آنها مدعی اند که در آن موقع موشکهای قاره پیمای "مینوت من" که نیروهای

مسلح آمریکا به آن مجهزند، از اعتبار رخواهند افتاد. به پیش بینی آنها در اواسط دهه هشتاد ایالات متحد با حیث زیر ریایی - های ایامی نیز عقب خواهد ماند، چون آهنگ به کار افتادن زیر - دریایی های جدید "تریدنت" به جای زیر دریایی های نوع قدیم که مجهز به موشک های "پولاریس" و "پوزیدون" هستند، تطبیق نمی کند. از این رو، آنها تأکید می کنند که دولت آمریکا و دولت های کشور - های عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی باید به جای تن دادن به خلع سلاح و تخفیف و خامت نظامی در جهان در رفع تعقب - ماندگی "های گوناگون" اقدام فوری به عمل آورند. این ترزا در دست صرفا برای توجیه استقرار سیستم های جدید سلاح های هسته ای و موشک های ایامی آمریکا در اروپای غربی است.

در رها زه تشنج زدایی نظامی، کارزار رستن محافل نظامی و صنعتی ایالات متحد هوسا زمان پیمان آتلانتیک شمالی پیرامون "خطر شوروی" خصلت جدید یافته است. افسانه "این خطر" سالهاست که در خدمت جنگ سرد و شکنج قرار دارد. حاکمان کمپلکس نظامی - صنعتی و سیاستمداران مترجع از این افسانه برای مسابقه تسلیحاتی، افزایش بودجه های نظامی و تولید سلاح های جدید مرکباً و برهم زدن تعادل موجود و کسب برتری نظامی استفاده می کنند.

آیزنهاور که برای نخستین بار اصطلاح "کمپلکس نظامی - صنعتی" را بکار برد، خواسته است به افکار عمومی هشدار دهد که این پدیده برای آمریکا خطری آفریند. در روزگار فعالیت های کمپلکس نظامی - صنعتی ایالات متحد مدیگر مساله ای صرفا آمریکا نیست. زیرا امروزه این پدیده برای همه جهان، منجمله کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی که زهم پیمانان و شکنج آنند تولید خطری کند.

در زمینه سیاسی، فعالیت های کمپلکس نظامی - صنعتی که امکانات وسیعی برای تأثیر روی دولت دارد، مانع از اعدای شدن اوضاع بین المللی است و همواره به تریق عنوان صراحتاً به روابط بین کشورهای دارای سیستم های مختلف اجتماعی می پردازد. بر این اساس نمایندگان کمپلکس نظامی - صنعتی با هر نوع گفتگوی سازنده سیاسی در روابط بین کشورهای همعاری مسالمت آمیز در زمینه تجاری، اقتصادی، فرهنگی و غیره به مخالفت برمی خیزند و این روابط را چیزی جز رقابت خطرناک قدرت ها نمی دانند و بدین - سان بدترین دوران جنگ سرد را در رن ها زنده می سازند.

در زمینه نظامی، هدف فعالیت های کمپلکس نظامی - صنعتی برهم زدن تعادل کنونی استراتژیک و تأمین برتری نظامی ایالات متحد به قیمت کوشش های جدید در مسابقه تسلیحاتی است. محافل میلیتاریستی ایالات متحد متضمن امنیت ملی را در برتری طلبی نظامی می بیند، نه در تنظیم موافقت نامه های خلع سلاح عمومی و همگانی. آنها از شرکای ایالات متحد در پیمان آتلانتیک شمالی در رخواست می کنند که به تدریج ارتکات نظامی پیمان یاری رسانند. فرایند اتمی مسابقه تسلیحاتی است. زیرا این مسابقه سود های هنگفتی برای تأمین می کند و موجب تحکیم سیاست مالی و سیاسی - اش می شود. کمپلکس نظامی - صنعتی با برانگیختن امواج تازه به تازه مسابقه تسلیحاتی برای جان نشین شدن اتمی سیستم های جدید سلاح های استراتژیک در موارد معینی انبوهی از سفارشات و سود های کلان تا سال ۲۰۰۰ برای خود تأمین کرده است. نتیجه این کمپلکس عظیمی از بودجه که می تواند برای حل مسایل حاد اجتماعی - اقتصادی خود آمریکا بکار رود، صرف هزینه های نظامی می شود. طرح های نظامی ناتو از شرکای اروپای غربی ایالات متحد می طلبد که مبهده هزینه های نظامی خود بیا فرایند و این برای اقتصاد آنها بسیار سنگین و زیان بخش است. فعالیت های کمپلکس نظامی - صنعتی مانع از تحکیم منافع مشترک همه کشورهای جهان در تنظیم مسایل عمومی بشریت در فرام آوردن خوراک، مواد اولیه، انرژی برای جمعیت فزاینده، روی زمین و همچنین حفظ محیط زیست است.

خاص خود، با شتاب از خارج اسلحه می خردند. مثلا، شرکت های ایتالیایی علی رغم تصمیم سازمان ملل متحد در ممنوعیت فروش اسلحه به نژاد پرستان هلی کوپترهای آبی و موشکهای هوا به هوا به جمهوری آفریقای جنوبی فروخته است. به نوشته لیبور مونتلی (لندن) شرکتها اروپای غربی و آمریکایی برای جمهوری آفریقای جنوبی تکنولوژی استفاده از مواد را در بر - اکتیو تهیه می کنند. جمهوری آفریقای جنوبی مخصوصا در زمینه تسلیحات با اسرائیل همکاری نزدیک دارد. به موهبت این همکاری، در سالهای اخیر غاصبان "قد سن" به پرتوریا یک دستگاه الکترونیک برای رد یابی حرکات شورشیان،

دستگاههای نوکتا و پیژون، هوا پیمایها، تانک های سنتوریون، ناوهای موشک انداز و غیره دادند. در ۱۹۷۹، نژاد پرستان از اسرائیل ۵۰۰ جنگی (در ۱۹۷۸، ۶۰۰ فروند) موشک اندازهای کفیر، مسلسلهای خود کار، خمپاره انداز و موشکهای هوا به زمین دریافت داشته اند.

هم اکنون گروه های نژاد پرست آفریقای جنوبی تحت تعلیم ۵۰۰ معلم اسرائیلی قرار دارند. آنها اسلوب های مبارزه با چریکها و سرکوب جنبش توده های را به این نژاد پرستان می آموزند و در تدارک هجوم به کشورهای آفریقای همسایه به آنها کمک می کنند.

### نظامی شدن راسیسم در آفریقای جنوبی

پیتر مارشال رئیس شرکت آفریقای جنوبی آرکورد در زمینه گسترش تولید سلاح ها در رباره صنایع جنگی آفریقای جنوبی چنین داد سخن داد. ما است: "در حال حاضر صنایع جنگی جمهوری آفریقای جنوبی بسیار عظیم است. در ۱۹۶۹، ۱۲ کارخانه اسلحه سازی آرکورد بیش از ۱/۱ میلیون رزق اند (۳/۱ میلیارد دلار) وسایل جنگی تولید کردند. نژاد پرستان علاوه بر تولید تسلیحاتی

بقیه: مائوئیسم...

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتیو، که نخستین شکاف را در نظام سرمایه داری پدید آورد، سرآغاز دوران معاصر یعنی دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم دمیگراسی است. جهان، بود پس از جنگ جهانی دوم، سوسیالیسم موقفیت های نوینی کسب کرد، در یک سلسله از کشورهای به پیروزی رسید و نظام جهانی سوسیالیستی بوجود آمد.

دوران معاصر وسیله نظام جهانی سوسیالیستی، نیروهای کبیر علیه امپریالیسم و نژاد گرایی سوسیالیستی جامعه پیکار می کنند. تعیین می شود. (۲)

رهبری چین مائوئیستی می باشد. دشمن اصلی - اتحاد شوروی به مثابه دشمن شماره یک است. و نیروهای میانه کمی توانند با کشورهای جهان سوم متحد شوند، کشورهای "جهان دوم" و رنوبت اول آلمان غربی، بریتانیا، کبیر، فرانسه، اسپانیا و سایر کشورهای اروپایی به علاوه ژاپن و غیره می باشند، "با چنین اتحادی می توان یک جبهه وسیع برای مبارزه با دشمن اصلی تشکیل داد".

هایی با نظام اجتماعی مختلف و متضاد وجود دارند. تئوری سه جهان نه تنها ضد مائوئیستی و ضد سوسیالیستی است، بلکه، همچنانکه پراتیک نشان می دهد، با توجه به تضاد های ذاتی کشورهای مختلفی که در هر یک از این سه گروه وجود دارند، غیر واقع گرایانه، پنداری و تحقیرناپذیر است.

توضیح: ۱- مقاله "خلق مصر با تشکیل جبهه متحد خلق" که در شماره قبل به چاپ رسید، به وسیله "ه. بهرام" تهیه شده بود. ۲- سلسله مقالات "تحولات اجتماعی در جامعه روستائی ایران" از شماره آینده ادامه خواهد یافت.

هفته نامه اتحاد مردم صاحب امتیاز: محمود اعتمادزاده (پسه آذین) سردبیر: محمد تقی برومند نشانی: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹ تلفن: ۶۴۴۳۸۴ چاپ گاوپان



بمناسبت یازدهمین سالگرد مرگ

# هوشی مینه



یازده سال پیش در سوم سپتامبر ۱۹۶۹

هوشی مینه - نگوبن آی کواوک - بنیانگذار حزب کمونیست ویتنام و یکی از چهره‌های تابناک تاریخ بشر در گذشت. مرگ هوشی مینه را در هفتاد و نه سالگی دریافت، واو که برای رهایی میهن خود از یوغ استعمار فرانسوی و بیرون راندن اشغالگران آمریکایی، مردم ویتنام را از میان ستمگین‌ترین سیل آتش و خون به آستانه پیروزی رهبری کرد، خود نتوانست این پیروزی تاریخی را به چشم ببیند. اما نیروی متحد مردم رهبری ستوارا که حزبی که او پایه‌گذاری کرد مبدود برجای بود. پروردگان اندیشه و عمل انقلابی هوشی مینه را او را ادامه دادند و امپریالیسم در منش آمریکا را او را به قبول شکست و ترک سرسایه و اخاک ویتنام کرد. بدین سان، افسون قدرت شیطنانی آمریکا پیش چشم جهان‌نیان باطل شد. شکست در ویتنام شکست‌های دیگری را در تایوپی و آنگولا و یمن و افغانستان و ایران و نیکاراگوا برای امپریالیسمیانکی در پی داشت، و این روندی است که بی‌شک ادامه خواهد یافت و به‌ناپدید شدن کامل امپریالیسم در جهان و محو شیوه بهره‌کشی سرمایه‌داری و همه انواع دیگر ستم خواهد انجامید.

اینک، در سالگرد درگذشت هوشی مینه ترجمه وصیت‌نامه او را که در ماه مه ۱۹۶۹، یعنی کمتر از چهار ماه پیش از مرگ رهبر ویتنام نوشته شده است، از نظر خوانندگان می‌گذرانیم:

## وصیت‌نامه

### هوشی مینه

با آن‌که مکان آن هست که پیکار مردم ما بر ضد تجار آمریکا، برای رهایی ملی، با سختی ها و قربانیان با بیشتر همرا باشد، ما ناگزیر از به دست آوردن پیروزی کاملیم. این خود یقین است.

من قصد دارم، هرگاه که وقتش برسد، به هر دو بخش شمالی و جنوبی کشور سرکشم بدهم. میهنان قهرمان ما، به‌کادرها و جنگاوران دلاورما، تبریک بگویم و پیران ما، جوانان عزیز و کودکان ما را ببینم.

پس از آن، به نمایندگی مردم ما، به کشورهای بی‌طرف را در وگا و سوسیالیستی و به کشورهای دوست در سرسراجها و خواهی رفت تا از پشتیبانی صمیمانه و یاری‌شان در زیند میهنی مردم ما بگذرد تجار آمریکا سپاسگزارم. توفو، شاعر نامور و چینی در عصر تانگ نوشته است: "در رهرو روزگاری، اندک اندکسانی که به هفتاد سالگی می‌رسند"

امسال که هفتاد و نه ساله‌ام، دیگر می‌توانم خود را از زمره آن گروه اندک بشمارم. فکر هوش من هنوز کاملاً بجا است. هرچند که سلامت من در مقابل سپاس سالان اخیر تا اندازه ای رو به انحطاط نهاد است. در رکی که بیش از هفتاد به‌پارید است، تند رستی یا افزایش سن فتور می‌یابد. در این جای شگفتی نیست.

ولی چه کسی می‌تواند بگوید که من تا چه مدت دیگر قادر خواهم بود به انقلاب، به میهن و به مردم خدمت کنم؟ ازین رومن، به پیش‌بینی روزی که خواهم رفت و به کارل مارکس و ۱۰۰۰ لنین و دیگر انقلابیون پیشین خواهد پیوست، این چند سطر را از خود بجا می‌گذارم. بدین سان مردم ما در سرسراج کشور، رفقای ما در حزب و در استان ما در جهان غافلگیر نخواهند شد.

### از حزب آغاز می‌کنم:

حزب ما، به برکت وحدت فشرده و وفاداری تمام‌طبقه کارگر و مردم میهن، از آغاز تا سپس خود توانسته است مردم ما را متحد کند و سازمان دهد و در زیند ملی ما پیروزی به پیروزی دیگر را به‌پایان دهد. وحدت یک سنت بی‌اندازه‌گرا و نه‌پای

حزب و مردم ما است. همه رفقا، از اعضای کمیته مرکزی تا افراد حوزه، باید وحدت سازمانی و یگانگی اندیشه را در هر ارد و رون حزب همچون مرد یک چشم خود حفظ کنند.

در داخل حزب، باید دموکراسی وسیعی برقرار باشد و انتقاد و انتقاد از خود منظم و جدی به بهترین شیوه‌ای اجرا گردد تا همبستگی و وحدت تقویت شود و گسترش یابد. مهر و شفقت رفیقانه باید حکمفرما باشد.

حزب ما حزبی است که حکومت را در دست دارد. هر عضو حزب، هر یک از کادرها باید عمیقاً به اخلاق انقلابی سرشسته باشد و از خود پشتکار و صرفه جویی، در رستی و راستی، وفاداری تا به مصالح مردم همرا با بی‌خردی کامل نشان دهد. حزب ما باید در حفظ پاکی مطلق بکوشد و ثابت کند که شایسته نقوش خویش به عنوان رهبر و خود متگزار بسیا روفادار مردمی باشد.

اعضای اتحادیه جوانان کارگر و به‌طور کلی جوانان ما خوب اند. آنان همواره ما را در همه کارها، از دشواری‌ها نمی‌ترسند و شوق پیشرفت دارند. حزب ما باید خصلت‌های انقلابی را در آنان پرورش دهد و آماده‌شان کند تا جانشین ما شوند، بدین سان که در ساختن سوسیالیسم در این حال "سرخ" و کارآموزان باشند.

آموزش و پرورش نسل‌های انقلابی آیند اهمیت و ضرورت بسیار دارد.

توده زحمتکش ما، در ردت‌ها و کوهسارها، نسل بعد نسل متحمل سختی‌ها شده در چارستم و بهره‌کشی فتودالی و مستعمراتی بود. از آن گذشته، آنان آزمایش‌چند و چندین ساله جنگ را به سربرداند.

با این همه، مردم ما دلیری و قهرمانی و شور و پشتکار و وفاداری خود نشان دادند. آنان، از هنگام ایجاد حزب، همواره با وفا - داری بی‌نظیر از آن پیروی کرده‌اند.

حزب باید برنامه‌های عملی برای رشد اقتصاد و فرهنگی تنظیم کند تا زندگی مردم ما پیوسته بهبود یابد.

جنگ مقاومت بزرگ تجار آمریکا ممکن است به درازا بکشد. ممکن است که مردم ما زناگزیر شوند تا به غریبانی‌های تازه‌ای از حیث جان و مال تن دهند. هرچه پیش‌آید، ما باید در برابر تجار و زنگران آمریکایی اراده جنگ تا پیروزی کامل را در خود استوار نگه داریم.

کوهسارهای ما، رودهای ما، مردم ما همیشه خواهند بود.

پس از شکست اشغالگران آمریکایی، ما سرزمین خود را در همه با زینب‌تر از پیش باز - سازی خواهیم کرد و به‌رغم دشواری‌ها و محرومیت - هائی که در پیش است، مردم ما به پیروزی

کامل یقین دارند. امپریالیست‌های آمریکا به یقین مجبور به ترک سرزمین ما خواهند شد. میهن ما به یقین وحدت خود را با زخواهند یافت. هم‌میهنان ما در جنوب و در شمال به یقین با در بگزریریک سقف به هم خواهند پیوست. ما که ملت کوچکی هستیم، افتخار درخشان آن خواهیم داشت که با پیکار قهرمانانه خود و امپریالیسم بزرگ - فرانسوی و آمریکایی - را شکست دهیم و سهم شایسته‌ای را به جنبش‌های ملی در جهان ادا کنیم.

### درباره جنبش کمونیستی جهانی

از آنجا که من کسی هستم که سرسرا سرزندگی را وقف انقلاب کرده‌ام، به همان اندازه که از رشد جنبش بین‌المللی کمونیستی و کارگری به خود می‌بالم، از سازگاری و نفاق کنونی در میان احزاب برادرانند و هگیم.

امید دارم که حزب ما برای کمک موثر به بازگشت وحدت در میان احزاب برادر، برپایه مارکسیسم لنینیسم و نترنا سیونا لیسم پرولتاری به شیوه‌ای که با خرد و احساس مطابقت آفتد - آنچه در آن در انجام دهد.

من اعتماد را سخندارم که احزاب و کشورهای برادر را در یگرم متحد خواهند شد.

\*\*\*\*

### درباره امور شخصی

من در سرسرا سرزندگی از صمیم قلب و با همه توان خود به میهن و انقلاب و مردم خدمت کرده‌ام. اگر هم اکنون از جهان بروم، هیچ افسوس جز این نخواهم داشت که دیگر قادر نخواهم بود که خدمت بیشتری بکنم.

پس از درگذشت من، باید از مراسم پرشکوهِ تشییع پرهیز شود تا وقت و پول مردم به‌هدر نرود.

\*\*\*\*

در پایان من برای سرسرا مردم، سرسرا حزب، سرسرا رتش، و برای دختران و پسران جوان، جوانان و کودکان کشور، محبت بی‌کران خود را به ارث می‌گذارم.

همچنین من شاد باش‌های خود را برای رفقا و دوستان ما، و برای جوانان و کودکان در سرسراجها می‌فرستم.

آخرین آرزوی من آن است که تمامی حزب و مردم، با به هم پیوستن تلاش‌های خود از نزدیک و ویتنامی صلح دوست و مستقل و دموکراتیک و شکوفان بسازند و سهم شایسته خود را در انقلاب جهانی ادا کنند.

هائوی - دهم ماه مه ۱۹۶۹

هوشی مینه

پدری تقسیم کردیم، به هر کس چند ذره خاک و چند قطره آب رسید، هر کد ام از حاضران وقتیکه خاک را به دست می‌گرفت، اول بوسه - ای به آن می‌زد و بعد در کاغذ می‌ریخت و می‌پیچید و در جیب می‌نهاد، برای آب هم هر که شیشه بسیار کوچکی با خود آورد بهود.

مرد سیم‌چرده، خاک را بوئید و بوسید - حاضرین چشم‌ها را بوئید گرفتند - بعد به چشمانش مالید، ذراتی از آن را روی زینب‌نشین ریخت. . . . جوید . . . انگشت کوچک دستش را با آب

داخل شیشه خیس کرد و به چشمانش و بعد به لب‌هایش کشید، لحظه‌ای مکث کرد و گفت: - دیگر نخواهم مرد.

چشم‌هایش پر از اشک بود. بقیه خاک را در کاغذ براتی جای داد، قطره‌های آبراهم به درون شیشه کوچکی ریخت و درش را محکم بست.

کسی، مرد سیم‌چرده را مخاطب قرار داد و گفت:

میدان مباحثات آنچنان شلوغ بود که گفته‌ها شنیده نمی‌شد. ما تلاش می‌کردیم که آنان را به آرامش دعوت کنیم، اما در برابر مرد سیم‌چرده سخن در آمد و گفت:

- ببینید، من از آنهایی نیستم که پای حرف‌ها ایستم، حتی یک چکه هم نخواهم گذاشت که از این آب به روی زمین بچکد، آب را به من بدید، می‌خواهم به چشم‌هایم بریزم تا در برابر روشنائی بگیرند.

- اگر می‌خواهی چشم‌هایت روشن شود برگرد به وطنت.

- حرف‌ها قطع نکنید، خاک را هم به من بدید تا آنرا هم ببویم، ببوسم و بعد بخورمش. . . .

مرد سیم‌چرده در چارهیجان شدیدی شد بهود، سخنان در رد آلود شد و هسی تیره‌مواج بود، او بدینگونه رنج و حسرت و وری از وطنش را بر زبان می‌راند، ما چمی توانستیم بگوییم؟

فرد ای آنروز، آب و خاک را همانند آریه

با خود آورد هاید، به گویستان به بر روی مزار هم‌میهنانی که در غربت از دست داد ه ایم بهاشیم.

مرد سیم‌چرده ای اعتراض کرد و گفت: - آنها! بدون این چیزها هم مرد هاند و رفته‌اند. . . . این مشت آب و خاک را ما لازم داریم، می‌خواهیم دست‌ها مان را به این آب و خاک بیالایم، تا شاید کمی به عمرمان افزود ه شود.

- ای بابا! افزونی عمر تو، چه دردی را دوا خواهد کرد؟ تویی که هائی هایت رفته است و وای وایت ماند ه است؟

- ساکت شو! من نخواهم گذاشت که خاک سرزمین ما در ریم را با خاک بیگانه مخلوط کنید، قسم می‌خورم که نخواهم گذاشت.

- والا تفنگ سربرت را خواهی آورد و ما را خواهی کشت!

- چرا تفنگ سربرم را . . . ؟ با پنج تیرم . . .

- بابا! بگذاز ببینم . . .

## مهاجرین

نوشته: بنی خزری

شاعرونویسنده آذر بایجان شوروی

برگردان: محمد خلیلی

یک مشت خاک و یک بطری آب با خود

به غربت برد ه بودیم.

برای هموطنانی که در یک جا گرد آمده بودند، از شهرهای ایران تعریف می‌کردیم. آنان نیز از گذران روزگارشان در غربت، برای ما می‌گفتند. وقتی شنیدند که ما قدری از آب و خاک سرزمین ما در میان را با خود آورد ه ایم، در چارهیجان شدند.

- باید طوری تقسیم شود که به همه برسد. کسی که از جای کنشسته بود، به حرف آمد و گفت:

- من پیشنهاد می‌کنم، آب و خاکی را که

### مسائل جبهه متحد

بر واقعیت مشخص، یعنی، وضع هند در آن دوره که موجبات جدی اتحاد چنین نگرشی را فراهم می آورد، نبود، بلکه بر این اعتقاد شخصی او استوار بود که اصولا همکاری با گاندی و کنگره در مبارزه ضد امپریالیستی غیر ممکن است. در غیر این صورت، روی مجبور بود در عین توجه به جنبه های منفی ایدئولوژی و تاکتیک گاندیسم، امکانات ضد امپریالیستی آنرا که در سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۲ و حتی به میزان کمتری در سالهای بعد مورد بهره برداری قرار گرفت، به حساب بیاورد. و نفوذ فراوان گاندیسم را در توده ها نادیده می گرفت، که به تنهایی باید او را بر آن دشتها شد تا نگرش متنوع تر و عمیقتری را در قبال این پدید می جستجو کند. پیش بینی وی در باره انحطاط قریب الوقوع گاندیسم در جریان رویداد های بعدی غلط از آب درآمد. انتقاد روی از گاندیسم که از بعضی جهات صحیح بود، اعتبار چندانی نداشت، زیرا او نمتنها همه جنبه های مثبت برنامه اجتماعی و سیاسی گاندی را به حساب نمی آورد، بلکه آن را با ارتجاع و تاریک اندیشی یکی می بیند. او به هیچ وجه سعی نکرد تا جنبه های ضعیف و ارتجاعی گاندیسم را در مقابل رفاقیسم جنبه های قوی و مترقی آن به نقد بکشد.

**روی خود اعتراف می کند که کمونیست ها** کسی داشتند موضع نیروهای چپ کنگره را تقویت کنند، فقط توانستند موجبات وحشت آنها را فراهم آورند و بس. معد الک، روی که از نظرات خود که از سوی کنگره در کمینترن رد شد، بود، دست برد از نبود، اعتقاد داشت که این کار پیروزی بزرگی بود، زیرا نیات واقعی غیر انقلابی رهبری کنگره را افشا کرد. این واقعیت که تنها مشغله روی عبارت بود از افشای گاندی و تاکتیک او که به هر حال با تاکتیک بهر سانسند نیک انقلاب مسلحانه زمین تا آسمان تفاوت داشت، آسیب زیادی به روی و بسپاری زلفه را نداشت. آنها از درک این موضوع عاجز بودند که گاندی و کمونیسم ضد امپریالیستی هند که به روشن ترین وجهه در گاندیسم متجلی شده بود، با رانرزی انقلابی و ناسیونالیستی فراوان داشت. این انرژی در اشکال معینی که خاص هند و خاص توده های آن بود و تنها در شرایط اشتراک منافع عینی کلیه نیروهای مبارزه آزاد بیخشم ملی ظهور کرد. این اشتراک منافع دست کم سی سال تا کسب استقلال هند و ادامه آورد.

در این مورد هم، مثل بسیاری موارد اساسی دیگر، روی درست را از نادرست تمیز نمی دهد. به عبارت دیگر، قیقت، تمایل وی به اینکه خیلی درست بیاید و صد درصد ارتد کس باشد، ایمان ساد و لوحانه اش به امکان انطباق غیر انتقاد و غیر خلاق اندیشه های اساسی درست با واقعیت موجود، و واقعیتی که سرشار از تضاد بود و از هیچگونه نصراحت کلاسیک برخوردار نبود، باعث شد که او نتیجه گیریهای اساسی تئوری را کسب می کرد و تحریف و ساد و بی معنی کند. روی معتقد بود که جنبش آزاد بیخشم ملی هند که به رهبری بورژوازی ملی رشد یافت، فقط در مرحله اولیه خود دارای توان انقلابی بود. معد الک، گاندی، نهرو، لالالاجیات و سایر رهبران جنبش آزادیبخش هند مبارزه ضد امپریالیستی را در ده ساله ها ادامه دادند. این مبارزه رهبران دیگری را نیز تربیت کرد که جنبش آزاد بیخشم را عسقی بخشیدند، کوشیدند تا شالوده اجتماعی آن را گسترش دهند و به طبقه کارگر نزدیکتر شدند و آنرا همیشه زانند. بسپاری از این رهبران خود در زمره راکسیست - لنینیست ها درآمدند. شرکت در جنبه ضد امپریالیستی و حمایت از کلیه تدابیر مترقی رهبری ملی

کطبیعتا هیچکدام به معنی نفی تضاد های عمیق طبقاتی و انتقاد جدی از تنگ نظری طبقاتی رهبران بورژوازی نبود، همانطور که از تجربه هند معلوم می شود، خاک مساعدی برای رشد جنبش جوان کمونیستی فراهم آورد. با این وجود، روی خواهان جدایی کامل از ناسیونالیسم انقلابی بود و چنین استدلال می کرد که این ناسیونالیسم یک روز سازشکار از آب درخواهد آمد. او اعتقاد داشت که همکاری با جنبش ضد امپریالیستی به رهبری بورژوازی ملی محال است.

**روی در کنگره چهار کمینترن کوشید تا** دیدگاه خود را در جنبش کمونیستی بین المللی بقبولاند. او تره های خود را در باره مسئله مستعمراتی فرمولبندی کرد و استدلالهایی در اثبات درستی آن اقامه کرد.

**روی بد و ناپیکه اندیشه** لنین را در باره تاکتیک جبهه متحد در جنبش آزاد بیخشم ملی مستقیما رد کند، دلالی را که در کتابش به نام تحول هند اقامه کرده بود، مطرح ساخت تا ثابت کند که این اندیشه برای هند قابل قبول نیست. او می گفت که بورژوازی در کشورهای که علیه نفوذ ایسم می جنگد می تواند نقش پیشاهنگ جنبش را ایفا کند، اما در هند، بورژوازی علیه سرمایه داری خارجی می جنگد و نه علیه نفوذ ایسم. او اعتقاد داشت که در کشورهای مستعمره که از لحاظ اقتصادی پیشرفته ترند، مثلا در هند، بورژوازی به حکم منافع خود به نظام اقتصاد می موجود وابسته است. بورژوازی از ترس اغتشاش و هرج و مرج که ممکنست در نتیجه واژگونی سلطه خارجی پیش آید، بر آتش میهن پرستی خود آب می پاشد تا منافع اقتصادیش از دست نرود.

**روی در همین زمینه می نویسد:** "روزی می رسد که این ناگزیر به جنبش خیانت کنند و به نیروی ضد انقلابی تبدیل شوند. تا ما آماده نشویم که عناصر اجتماعی دیگری را که از لحاظ عینی انقلابی تر است آموزش سیاسی بدیم تا جای آنها را بگیرد و رهبری را تقبل کند. پیروزی نهایی مبارزه ناسیونالیستی در حال حاضر قابل بحث است. دلیل رد تره های روی از سوی کنگره چهارم روشن است. کنگره چهارم در عین توجه به موفقیتها و جنبش کمونیستی هند، همچنین یاد آور شد که میباید آنرا با جنبش توده های وابسته بهای کارگری ضعیف است و حد اکثر بهره برداری را از روشهای قانونی مبارزه نمی کند."

مشی روی با رهنمود های کمینترن مغایر بود و کمیته اجرایی کمینترن تلقسی او را از بورژوازی ملی مردم و دشمن کمینترن برای این اعتقاد بود که بورژوازی هند عا ملی انقلابی است، زیرا منافع آن بطور عینی با امپریالیسم در تضاد است و این کمپاریزمه خاطر آزادی ملی خود، جنبش انقلابی است. به عقیده کمیته اجرایی کمینترن، حزب سیاسی کارگران و دهقانان که در این جنبش شرکت می کند باید با احزاب بورژوازی همکاری کند و از آنها حمایت نماید، زیرا این احزاب بورژوازی به نوبه خود علیه امپریالیسم می جنگند.

در سال ۱۹۳۲، مقامات استعماری بسپاری از مقامهای برجسته جنبش کمونیستی هند را دستگیر و در سال ۱۹۲۴ در دادگاهی در کانپور محاکمه و محکوم کردند. این واقعه سبب تضعیف این جنبش جوان شد. در سال ۱۹۲۵، س. ا. د. انج. م. ۱۰ تیت و سایر شرکت کنندگان پیشین در جنبش ناسیونالیستی گاندی، که از آن سرخورد بودند، حزب کمونیست هند را پایه گذاری کردند. بسپاری از اعضای آن با ماهیت جنبش ناسیونالیستی آشنا می کافی داشتند و از مواضع واقع بینانه آن می نگرستند. با این احوال، روی را خود راهمچنان

ادامه داد و حتی مرتکب خطاهای سکتار - یستی جدی تری شد. در کنگره پنجم کمینترن او با مواد پیش نویس قطعنامه در باره اتحاد تمامسهای مستقیم کمیته اجرایی کمینترن با جنبش های آزاد بیخشم ملی مخالفت کرد. رئیس کمیسیون مربوط به مسئله مستعمراتی، ن. ز. مانوئیلسکی بر آن حرفهایی تأکید کرد که در کمیسیون وجود داشت. او متذکر شد که روی درست مثل کنگره دوم سطح رشد جنبش سوسیالیستی در مستعمره ها را به زبان جنبش ملی پر به می داد. روی حتی تا آنجا پیش رفت که بگوید جنبش ملی گویا ماهیت جبهه متحد طبقات اساسی کشور استعدید و از دست داد و وارد دوره نوینی شده است. مانوئیلسکی اظهار داشت که طرز تلقسی روی از مسئله مستعمراتی نه بهیچیکم روزا لوکزا میورگ را در رابطه با جنبشهای ملی منعکس می کند و دامنها ماهیت مبارزه طبقاتی در رهرو ملت را بیش از حد مورد تأکید قرار می دهد.

**روی خود را با** رد دیگر بطور منظم را اثرش به نام آینه هسیاست هند تشریح کرد. او نوشت:

"بلوک بورژوازی عملا در دست جبهه متحد یا نیروهای امپریالیستی نظم و قانون تشکیل دهد تا کشور را از خطر هرگونه انقلاب اجتماعی محفوظ دارد. طبقه متوسط که هنوز به نمایش مبارزه را لمانی خود ادامه می دهد، در چارورشکستگی علاج ناپذیر سیاسی است." او ادامه می دهد: "جنبش آزاد بیخشم ملی بر پایه مبارزه میان طبقات استعمارگر و استثمار شونده صورت خواهد گرفت. از این پس، مبارزه بخاطر آزادی ملی در هند به مبارزه طبقاتی که به مرحله نهایی خود نزدیک می شود، تبدیل می گردد." "عد مفهم اصول ابتدایی سیاست طبقاتی پرولتاریا بیش از این غیر قابل تصورات است. اظهارات روی چیزی نیست جز بی توجهی مطلق به وظایف انقلاب بورژوازی - دمکراتیک، حذف آشکار وظایف مبارزه آزاد بیخشم ملی از دستور کار، مخلوط کردن مراحل و وره های مبارزه، نقض آشکار تاکتیک لنین در مورد جبهه متحد، انکار مسخره نقش آشکارا ضد امپریالیستی و مترقی بورژوازی ملی و بالاخره اولویت بخشیدن به مبارزه طبقاتی بورژوازی پرولتاریا. و این در حالی بود که شرایط تاریخی تقدیم مبارزه رفاقی ملی را علیه دشمن مشترک ملی - امپریالیسم - ایجاب می کرد. سخنان "ماورا" انقلابی روی در عمل کاملا بی پایه زاید آمد."

### تغییر طرز تلقی جنبش کمونیستی بین المللی از جنبش بورژوا - دمکراتیک

#### در دوره کنگره ششم کمینترن

در زمینه دوم دهه ۱۹۲۰، نفوذ شخصی روی بر سیاست کمینترن در زمینه مسئله مستعمراتی از برخی جهات تحت تأثیر تره های استالین قرار گرفت که در سخنرانیش در سال ۱۹۲۵ تحت عنوان "وظایف سیاسی دانشگرا خلقهای خاور" مطرح شد. استالین در سخنانش در باره ضرورت تشکیل احزاب کمونیست، رها ساختن توده های دهقانی از نفوذ بورژوازی سازشکار و تأمین رهبری پرولتاریا بر جنبش آزاد بیخشم ملی، بورژوازی مستعمره ها و نیمه مستعمره ها را بسته به سرخوردن آن با جنبش آزاد بیخشم ملی به دو گروه تقسیم کرد: انقلابی و سازشکار، یکی متشکل از خود بورژوازی دیگری بورژوازی بزرگ را یعنی مطابق با این تقسیم بندی گروه و کلیه حملهای تولیدی رشد یافته سرمایه داری را شامل می شود. خصیصه سازشکار به عقیده استالین این بود که بخش سازشکار این بورژوازی هم اکنون موفق شده به طور عمد با امپریالیسم به توافق برسد. استالین جنبش آزاد بیخشم

را عرصه مبارزه و بلوک می دانست. خود به بورژوازی به همراه توده های از جمعش در ریکسو و بورژوازی بزرگ را رکنان راقشارفقند الی و امیر - یالیسم رسوید یگر! در آن زمان، در سالهای ۱۹۲۴ و ۱۹۲۵، پیش از آغاز انقلاب چین، برخی از رهبران کمونیست به شالوده اجتماعی - اقتصاد مبارزه آزاد بیخشم ملی در قرن بیستم کم بها می دادند.

در فاصله سالهای ۱۹۲۵ - ۱۹۲۷ که انقلاب ضد امپریالیستی چین آغاز شد، کمینترن برای این گرایشها غلبه کرد و فعالیت خود را در جهت اتحاد میان جنبش کمونیستی چین و محافل ملی میهن پرست ضد امپریالیست که در این انقلاب نقش عمده ای داشتند آغاز کرد. در آن زمان، کم بها دادن به امکانات ضد امپریالیستی بورژوازی ملی خاور به حصر انحراف از مسیر درست محسوب می شد.

بعد از کودتای ضد انقلابی چانگ کائیشک، خیانت وان چین وی و شکست انقلاب چین کمینترن دیدگاه خود را تا حد وندی تعدیل کرد و این امر را می توان از برخی تصمیمات کنگره ششم کمینترن دریافت.

این کنگره که توجه زیادی به مسئله مستعمراتی، بخصوص به هند، میداد داشت عرصه مبارزه میان بورژوازی و جریانش: جریان کنگره دوم، یعنی، خط لنین، و جریان سکتار - یستی که مثل گذشته مورد حمایت روی بود، هر چند که او دیگر بلندگوی مقتدر آن نبود و اندکی پس از کنگره رسما انزاد کرد.

کنگره ششم کمینترن سیاستی را در پیش گرفت که هم انطور که او کوسینین، سخنران اصلی کنگره ششم در باره مسئله مستعمراتی، سی سال بعد در کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشت، در ارتباط با بورژوازی ملی مستعمره ها و نیمه مستعمره ها "بوی سکتاریسم می داد."

یکی از دلایل این امر این بود که نتیجه گیریهای حاصله از تجربه اتحاد حزب کمونیست چین با کومینتان که توسط چانگ کائیشک زبیرا گذاشته شد، بطور مکانیکی با کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره از جمله هند انطباق داد می شد. به همین دلیل گفته می شد که بورژوازی ملی ناگزیر به آرمان آزادی - بخش ملی خیانت خواهد کرد و به اردوی ضد - انقلاب خواهد پیوست. نتیجه منطقی این بود که فقط سرکردگی پرولتاریا و رهبری حزب کمونیست می تواند موفقیت جنبش آزاد بیخشم ملی را تضمین کند. کوسینین در کنگره ششم خطر نشان ساخت: فکر اصلی تزارین است: سرکردگی پرولتاریا در جنبش انقلابی مستعمره ها.

این بد آن معنی بود که پرولتاریا و حزب مارکسیستی آن باید در مرحله ضد امپریالیستی مبارزه، که دیگر طبقات، در رد رجعه اول، بورژوازی ملی، هنوز با کتا آمدن با امپریالیسم خود را رسوا نساخته و امکانات انقلابی خود را به پایا نبرده، سرکردگی خود را تأمین کند. این راه غلطی بود که واقعیات مبارزه ضد امپریالیستی ساخت جا معسه مستعمراتی و تناسب نیروهای طبقاتی در خاور را نادیده می گرفت. شرایط موجود موجبات عینی اعتقاد به اجتناب ناپذیری و ضرورت سرکردگی پرولتاریا در مراحل اولیه انقلاب ملی را در خود نداشت. نتیجه - انقلاب ۱۹۰۵ روسیه (نفی نقش انقلابی بورژوازی روسیه) و تجربه انقلاب ۱۹۲۷ - ۱۹۲۵ چین (برهم خوردن اتحاد کومینتان با کمونیستها) را نمی شد مستقیما در مورد هند اند و نزی و شرق عربی به کار گرفت، زیرا در وره کنگره ششم کمینترن و بعد از آن بورژوازی ملی در این جا مواضع انقلابی ضد امپریالیستی خود را حفظ کرد.

### ادامه دارد

### شورای همیاری اقتصادی...

د رکشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی از زبهره کشی انسان از انسان خبری نیست. برای همیشه به فساد های چون بحران، تورم و بیکارگی که از معایب ویژه د نیا ی سرمایه داری است، خاتمه داد ه شد ه است.

د ر حال حاضر عمد ه ترین مضمون فعالیت شورای همیاری اقتصادی اجرای برنامه کامل همگرایی اقتصادی سوسیالیستی است که د رسال ۱۹۷۱ به تصویب رسید. هدف این برنامه عبارت از آن است که با مساعی همه کشورهای استفاد ه مؤثر و تعریخ از منابع ماد ی و پولی به نفع هر یک از کشورهای و تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی بطور کامل تأمین گردد. این برنامه که برای ۱۱۵ الی ۲۰ سال آیند ه پیش بینی شد ه، شامل تعمیم ویژه کاری و تعانی کردن تولید و انطباق بر برنامه های اقتصاد ملی یعنی اجرای عملی همگرایی اقتصادی است.

کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی اکنون آخرین سال برنامه پنج ساله خود را می گذراند. راهی که در چهار سال اخیر پیومد ه شد ه د لیل روشنی به تحکیم اقتصاد کشورهای براد راست تولید اجتماعی به موهبت پیشرفت علمی و فنی، بهبود و مد ی پرست طبق نقشه، تعمیم همیاری و یگانگی اقتصاد ی با پیشرفت بسیار سریعی روبروست.

گسترش تولید ماد ی د ر کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی د ر شرایط بسیار دشوار و نجام می گیرد. زیرا آنها با مسایل پیچید ه تولید بیش از پیش برهنه و بی برنجی های مواد سوختی و مواد اولیه روبرو هستند. بعلاوه عوامل نامساعد اقتصاد ی جهان نیز د ر این روند تأثیری گذارد. ساله عبارت از استفاد ه ناکافی از ذخایر رونی و امکانات تسریع پیشرفت اقتصاد ی است. کنس دی آهنگهای رشد تولید د ر برخی کشورهای رکن از افزایش محسوس حجم آن از همین وضع ناشی می شود. اما، بطور کلی، د ولتهای براد رد ر ۱۹۷۹ اگام مهمی به پیش برداشتند.

سال گذ شته، د ر آمد ملی د ر کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد ی ۲/۵٪ افزایش یافت.

د رآمد ملی د ر ۱۹۷۹ (د رمقایسه با ۱۹۷۵ و ۱۹۵۰)

۱۹۵۰ = ۱	۱۹۷۵ = ۱۰۰٪	
۶	۱۱۸	جمهوری د مکراتیک آلمان
۱۱	۱۲۷	بلغارستان
-	۱۱۹*	کوبا
۵	۱۱۸	مجارستان
۶	۱۲۵	مغولستان
۷	۱۱۳	لهستان
۱۴	۱۳۷	رومانی
۵	۱۱۶	چکسلواکی
۸	۱۱۹	شوروی
-	۱۲۰**	ویتنام

۱- ۱۹۷۸ نسبت به ۱۹۷۵، ٪

۲- محصول ناخالص ملی

د ر رشد تولید صنعتی پیشرفتهایی حاصل شد ه است. حجم آن د ر مجموع کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد ی د ر ۱۹۷۹ نسبت به ۱۹۷۸، ۳/۶٪ و برای چهار سال برنامه پنجساله مورد عمل ۲۲٪ افزایش یافته است.

تولید صنعتی د ر ۱۹۷۹ (نسبت به ۱۹۷۵ و ۱۹۵۰)

۱۹۵۰ = ۱	۱۹۷۵ = ۱۰۰٪	
۹	۱۲۲	جمهوری د مکراتیک آلمان
۲۳	۱۲۹	بلغارستان
-	۱۱۷	کوبا
۹	۱۲۱	مجارستان
۱۵	۱۳۵	مغولستان
۱۴	۱۲۴	لهستان
۳۱	۱۴۸	رومانی
۸	۱۲۱	چکسلواکی
۱۲	۱۲۰	شوروی
-	۱۳۱*	ویتنام

۱۹۷۸ نسبت به ۱۹۷۵، ٪

کشورهای جامعه سوسیالیستی برای تسریع تولید و اعتدالی اثر بخشی و کیفیت کار د ست به اقداماتی زد ه اند که هدف آن تحکیم سیستم برنامه ریزی و انگیزش اقتصاد ی است.

د ولتهای عضو جامعه بهبود طبق نقشه ساختار صنعتی را پیگیرانه دنبال می کنند. آنها برای گسترش شاخه های جدید و د ر جای نخست ماشین سازی، نیروی برق، صنایع شیمیایی و پتروشیمی برتری قابل شد ه اند. د ر حال حاضر، این شاخه ها ۴۲٪ حجم کل

تولید صنعتی را تأمین می کنند.

د ر بلغارستان تولید صنعت ماشین سازی و صنایع فلزی د ر یک سال ۷/۹٪ مواد سوختی ۴/۸٪ صنعت شیمی ۸/۹٪ افزایش یافته است. د ر مجارستان حجم تولید شیمی ۶/۴٪ تکنیک ارتباطاً د ور، تکنیک فضایی و ساختن د ستگا ها ۸-۶٪ بالا رفته است. د رویتنام تولید نیروی برق، ورقه های فولاد، مواد معدنی کرم و

سایر محصولات مهم افزایش یافته است. د ر جمهوری د مکراتیک آلمان تولید نیمه های، مدارهای الکترونیک (۸/۲۳٪) د ستگا ها ی کنترل و فرمان (۹٪) به سرعت پیش می رود. د ر کوبا تولید نیروی برق ۱۱٪، ماشین سازی ۴/۱۶٪، کود های معدنی ۲۱٪ فزونی یافته است. د رمغولستان سریع ترین آهنگ های رشد به صنایع معدنی (با افزایش حجم تولید به میزان ۵/۲ بار) و صنعت مواد سوختی و انرژی (۳/۱۱٪) اختصاص داد. د ر لهستان افزایش بسیار سریع تولید کالا ها برای بازار داخلی و صادرات بیانگرو اقعیت روشن تغییرات ساختاری د ر این کشور است. د ر ۱۹۷۹ ا د رمقایسه با ۱۹۷۸ افزایش برای تولید زغال سنگ ۴/۴٪ برای ماشین های فلز تراشی ۵/۵٪ برای ماشینهای شخصی ۵/۷٪ برای ماشین های بولبرینگ ساز ۱۸٪ و برای کاتوجوی سنتتیک ۵/۳٪ بود ه است. حجم تولید ماشین سازی ها و صنایع فلزی د ر رومانی ۷/۱۱٪، د ر اتحاد شوروی ۸٪، د ر چکسلواکی ۶/۶٪ افزایش یافته است.

این مسأله مهم معناست که ۳٪ افزایش تولید صنعتی کشورهای مورد بحث به موهبت اعتدالی بهره روری کار حاصل شد ه است. این بهره روری د ر چهار سال د ر مجموع صنایع کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد ی ۹/۱۷٪ افزایش یافت.

د ر ۱۹۷۹ برای صرفه جویی د ر منابع ماد ی و بهبود کیفیت تولید و بکار گرفتن د ستاورد های علمی و فنی اقدامات قاطعی صورت گرفت.

د رسال گذ شته کشورهای عضو شورای ۱۶۶۰ میلیارد کیلووات ساعت برق، ۶۰۴ میلیون تن نفت، ۴۶۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی و گاز نفت، ۲۱۰ میلیون تن فولاد، ۳۷۰ هزار ماشین های بزار تراش فلزات، ۷۲۳ هزار تراکتور، ۲۱۲۵۰۰۰ ماشین های شخصی، ۷/۸ میلیون یخچال، ۳۵ میلیون تن کود معدنی، ۲/۱۹۴ میلیون تن سیان تولید کرد ه اند.

افزایش مد اوم تولید فولاد د ر کشورهای عضو شورای موجب بالا رفتن سریع تولید د ر ماشین سازی ها شد ه است. افزایش عمومی ماشین سازی ها و کالا های فلزی د ر برنامه پنج ساله تقریب ۴۰٪ است.

سال گذ شته، کشورهای عضو شورای مبلغ مهمی برای ساختن مؤسسات صنعتی و کشاورزی، مؤسسات پژوهشی، بیمارستانها، مؤسسات آموزشی و توسازی و بازسازی ظرفیت های موجود خرج کردند.

سرمایه گذ اریها د ر ۱۹۷۹ (نسبت به ۱۹۷۵ و ۱۹۵۰)

۱۹۵۰ = ۱	۱۹۷۵ = ۱۰۰٪	
۱۴	۱۱۸	جمهوری د مکراتیک آلمان
۱۸	۱۱۲	بلغارستان
-	۱۲۵	کوبا
۷	۱۱۸	مجارستان
۶۵	۱۴۱	مغولستان
۱۲	۹۹	لهستان
۳۲	۱۴۸	رومانی
۷	۱۱۳	چکسلواکی
۱۰	۱۱۶	شوروی
-	۱۵۱	ویتنام

۱۹۷۸ نسبت به ۱۹۷۵، ٪

از ۱۹۷۶ تا ۱۹۷۹ کشورهای عضو جامعه امکانات و استعداد خود را برای تولید ۵۵ میلیون کیلووات ساعت نیروی برق، ۲۱۰ میلیون تن زغال سنگ، ۲۲ میلیون تن سیان و تصفیه ۷۷ میلیون تن نفت بکار گرفتند.

سال گذ شته کارخانه ها، کارخانه ها و کمپلکس های (مجموع صنایعی که د ر خدمت یک تولید قرار دارند) متعدد د ی مورد بهره برداری قرار گرفتند. د ر بلغارستان، ساختن کارخانه تولید اتیلن د ر کمپلکس نفتخیم "بورگا" و کارخانه شیشه سازی بزرگی ساختن د ر آلبا به پایان رسید ه است.

د ر مجارستان، استخراج بوکسیت د رمعدن "د آک خیلی" زود تر از موعد پیش بینی شد ه شروع شد. کارخانه "قند سازی" هاج د وشاک" قاد راست ۶۰۰ تن چغندر د ر روز تصفیه کند. یک کارگاه جدید کمپلکس تولید گوشت د ر کابوسواریکا رافتاد ه است.

د رویتنام یک کارخانه غنی کردن زغال سنگ "کوا آونگ" یک کارخانه تعمیر و سایل پزشکی د ر هانوی، یک کارخانه آجر سازی د ر ایالت کوانگ نینه، د ومزرعه پرورش طیور کارخانه های تولید

خوراک د امور و غن مورد بهره برداری قرار گرفته است. د ر جمهوری د مکراتیک آلمان چهارمین د ستگا موتور ها د ستگا مولد برق مرکزی "شمال" بقدرت ۴۴۰ هزار کیلووات و توربین گازی مرکزی "چورنوویتز-۱" مورد بهره برداری قرار گرفته است.

د ر کوبا ساختن ۶۷ ساختن صنعتی د رمراکز برق ماکزیموگومز و شهر سین فوئه گوز که د ستگا ه های مولد برق شان مجموعاً بقدرت ۲۶۹ هزار کیلووات است و نیز تأسیس کمپلکس پارچه بافی د ر سانتا-کلارا به پایان رسید ه است.

د هها بنگا که کارخانه های شیشویی و واحد های تولید شیرو غیره از آن جمله اند، د رمغولستان بکار افتاد ه است.

د ر لهستان، استخراج لینییت د رضای با زد ریلش تا آغاز شد ه است. یک کارگاه تورق فلزات بد ون استفاد ه از شمش های مس د ر کارخانه "سد پینیا" و نیز واحد های پرورش طیور، تولید شیرو یک کارخانه قند سازی مورد بهره برداری قرار گرفته است.

د ر رومانی یک کارخانه تولید سیان د ر تاسکا و یک بنگا ه ماشین ابزار د ر ما رگیتا بکار افتاد ه است.

د ر اتحاد شوروی بیش از ۲۰۰ بنگا مهم د ولتی تأسیس شده است.

د ر ۱۹۷۹، د ر چکسلواکی نخستین واحد نیروی برق مرکزی بقدرت ۴۴۰ هزار کیلووات و یک کارگاه تولید لوله بکار افتاد ه است.

د ر ۱۹۷۹ کشاورزی د ر برخی کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد ی مواجبه شرایط نامساعد ی بود ه است. اما تحکیم پایه ماد ی و فنی این شاخه و اقدام د ر اصلاح امور و آبپاری مکان داد ه است که تأثیرنا مطلوب آب و هوا بطور محسوس تخفیف یابد.

د ر ۱۹۷۹ - ۱۹۷۶ ا حجم کلی سالیانه تولید کشاورزی نسبت به ۱۹۷۵ - ۱۹۷۱ ا د ر مجموع کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد ی بطور متوسط ۱۱۰٪ بود ه است.

تولید کلی کشاورزی د ر ۱۹۷۹ (نسبت به ۱۹۷۵ و ۱۹۵۰)

۱۹۵۰ = ۱	۱۹۷۵ = ۱۰۰٪	
۲	۱۰۵	جمهوری د مکراتیک آلمان
۳	۱۱۰	بلغارستان
-	۱۱۹	کوبا
۲	۱۰۰	مجارستان
۱/۷	۱۰۳	مغولستان
۲	۱۲۸	لهستان
۴	۱۰۵	رومانی
۱/۷	۱۰۹	چکسلواکی
۲/۵	۱۰۵*	شوروی
-	-	ویتنام

\* ۱۹۷۸ نسبت به ۱۹۷۵، ٪

کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد ی برای تحکیم پایه ماد ی و فنی کشاورزی کوشش عظیمی به عمل آوردند. د ر مجموع، روستا ۴۶۰ هزار تراکتور، ۱۱۲۳۰۰۰ بزاروسایل برداشت غلات و ۲۸ میلیون تن کود معدنی د ریافت داشتند.

حجم بزرگانی خارجی برای رسیدن به ۹۶ میلیارد روبل که ۱۱۱ میلیارد آن به مبادلات متقابل تعلق دارد، ۱۳٪ افزایش یافته است.

عملکرد های تجارت خارجی د ر ۱۹۷۹ (نسبت به ۱۹۷۵ و ۱۹۵۰ به قیمت خارجی)

۱۹۵۰ = ۱	۱۹۷۵ = ۱۰۰٪	
۳۰	۱۴۶	جمهوری د مکراتیک آلمان
۵۱	۱۵۳	بلغارستان
۶	۱۱۸	کوبا
۲۵	۱۶۹	مجارستان
۹	۱۵۸	مغولستان
۲۰	۱۳۷	لهستان
۳۴	۱۷۴	رومانی
۱۴	۱۵۰	چکسلواکی
۲۷	۱۵۸	شوروی

کشورهای عضو شورای همیاری اقتصاد ی به گسترش تجارت ماشین ها و تجهیزات براساس موافقت نامه های یک یا چند جانبه د ر زمینه ویژه کاری و تکمیل تولید توجه ویژه ای معطوف داشتند. د ر ۱۹۷۹، سهم تولید تخصصی د ر تجارت متقابل اعضای شورای همیاری اقتصاد ی ۳۶٪ بود ه است.

د اد ستد های متقابل موجب تأمین نیازهای مهم کشورهای براد رد ر زمینه مواد سوختی و مواد اولیه، ماشین ها و تجهیزات شد ه است.

د ر ۱۹۷۹، این نوع مبادلات ۶۷/۶٪ نیازهای ماشین سازی و تجهیزات، نزدیک به ۷۰٪ سنگ آهن، ۹۳٪ زغال سنگ، ۹۴٪ کک، ۶۸٪ نفت، ۸۷٪ چدن، ۶۰٪ ورق فلزات را تأمین کرده است. اتحاد شوروی با تحویل سطح عالی نفت، محصولات نفتی و گاز بقید صفحه ۸

### کار از چه قرار...

و این می تواند برخی کسان را به این نتیجه برساند که اگر مسئولان می تواند و ابهامی هست باید در این راستا جستجو و بررسی می شود. به دیگر سخن، این گروهکشی ها و دعوا بر سر سهم این یا آن از قدرت می تواند انگیزه ای باشد تا مردم مهربانند که اسلام و مکتب د رواقع کدام است، آنچه این به زبان و در حد کلیات اخلاقی مدعی است، یا آنچه آن دیگری می گوید و با زاحد کلی و انتزاعی پائین تر نمی آید؟ و آن روز که چنین سوآلی به طور جدی برای توده های مردم مطرح شود، توده هایی که رهبری روحانیت مبارزان پرچم اسلام انقلابی پذیرفته اند و انقلاب را در تمام و تکاملش تا به امروزه پایگاه و الای قدرت و تأثیر رسوخ کشور و جهان رسانده اند، آن روز خدای ناکرده می تواند روز سرخوردگی از انقلاب و اسلام باشد. اما مسئله تعریف مکتب یا تعریف اسلام انقلابی بدان سان که بتواند در عمل بر زندگی کشور مردم انطباق یابد و به انقلاب، گذشته از جنبه معنوی، در زمینه مادی نیز فعلیت دهد، با مسئله بنیادی دیگری پیوند دارد که باید به صراحت در بیان آید و آن شکل و محتوای اقتصاد انقلاب است که هر گویا شکالی که هست در حقیقت در اینجاست و متأسفانه اسلام و مکتب به نفعی نمی گیرند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل چهارم خود، بویژه اصل های چهارم و سوم و چهارم و پنجم، شکل و محتوای نظام اقتصاد را مشخص کرده است. ولی ظاهراً همه صاحب نظران در فقه اسلامی که در مجلس یا خارج آن هستند و در مقام ساس های متفاوت از نفوذ کلام در میان پارهای قشرها برخورد دارند در این باره متفق نیستند. حتی از هم اکنون نشانه هایی می توان دید که نوعی صف آرای در کار شکل گرفتن است تا به هنگام تدوین قانون مربوط به این امر در مجلس شورای اسلامی کوشش شود تا اصول نامبرده از محتوای انقلابی خود که ضامن استقلال اقتصادی کشور و جهت رهایی توده های زحمتکش از استعمار و یوماد های ناگیران یعنی فقر و بیسودی و محرومیت است تهی گردد. و این می تواند بیشتر از ضد انقلاب و بیشتر از توطئه و تجا و زامیرالیسم آمریکا و متحدانش برای انقلاب خطرناک باشد. انقلاب ما را حضور توده های میلیونی زحمتکش در میدان های خون و شهادت و مبارزه به پیروزی رساند. پس از آن هم با حضور همین توده ها از پیروزی انقلاب حراست کرد و آن را به پیش راند. از این رو طبیعی است که انقلاب ما رنگ خواست ها و نیازهای اکثریت زحمتکش ایران را به خود بگیرد و آن باشد که این اکثریت بسیار بزرگ اراده می کند. این نکته ای است که همه دست اندرکاران جمهوری اسلامی ایران و پیش از همه آقای رئیس جمهور، آقای نخست وزیر و هیئت دولت و همچنین نمایندگان مجلس، باید بدان توجه کنند. مردم هم نباید بدانند که کار از چه قرار است.

### اقتصاد سرمایه داری در...

— بی را واد ار کرد که روش خود را تغییر دهند. در این موقع مبارزه با تورم در صد رتقا رگرفت. اکنون اقدامات اساسی تنظیم و لوسی — انحصاری متوجه این قلمرو است. محدود کردن نرخ هزینه های بودجه و کاهش هزینه ها که به تنظیم و لوسی شاخه های مختلف اقتصادی مربوط می شوند، اکنون به معنای موثرترین ابزارها در مبارزه با تورم اند. بدیهی است که اعمال اقدامات پیش بینی شده — مخصوصاً در زمینه کاهش هزینه های بودجه با سیاست میلیتاریستی در سنگا ها در ایالات متحده سخت رتضاد است. سیاست اقتصادی داخلی که ترکیب به نفع انحصارات و در جای نخست به نفع کمبلکسر نظامی — صنعتی است، در ایالات متحده با انتقادات جدی روبروست. این انتقادات از جانب کسانی است که خود دست اندرکار تنظیم برنامه های دولتی هستند. چنانکه وزیر دارایی پیشین ایالات متحده آمریکا، مایکل بلومنتال که کمپوزیتر کابینه کارتر شد و اکنون نایب رئیس دارایی پیروز کورپوریشن یکی از بزرگترین کمپانی های شمار — گرا هست، در مصاحبه ای با روزنامه واشنگتن پست رئیس پیشین خود را به خاطر نشان بر برنامه روشن در مبارزه با تورم مورد انتقاد قرار داد. بلومنتال به صراحت اظهار داشت که کاخ سفید در این زمینه دچار نوعی دوگانگی است. کارتر بود ستیا رانش در حالی که تحت فشار دستمندی های مختلفی هستند که مقاصد متفاوتی را دنبال می کنند، خود قادر به اعمال سیاست قاطعی نیستند. این وزیر پیشین پیش بینی کرده است که کسری بودجه دولت فدرال در ۱۹۸۰ آنطور که گفته شده ۲۹ میلیارد دلار نیست، بلکه تقریباً بالغ بر ۴۰ — ۵۰ میلیارد دلار است. آثار مشاور کارتر در مسایل تورم خاطر نشان ساخته است که رساندن سطح تورم آمریکا به کمتر از ۱۰ درصد به آسانی امکان پذیر نیست. عواملی چون افزایش احتمالی قیمت های جنید نفت، بالا رفتن نرخ بهره بانکی و ترقی قیمت

کالا های غذایی آهنگ رشد تورم را همچنان بالا نگا خواهد داشت. کان در مورد اجرای برنامه های ضد تورم اعلام داشت که این برنامه نسبتاً مطلوب است ولی قادر به ایجاد ثمرات موفقیت آمیز نخواهد بود. توصیه کرده است که مقامات مسئول آمریکا برای مقابله با تورم باید در مالیات و بودجه محدودیت های قابل شونند و به موازات آن در مدت طولانی از محرک های سرمایه گذاری ها، بالا بردن بهره وری کار و روفع نقائص موجود در ساختار تولید بهره برداری نمایند. با روی کار آمدن حزب محافظه کار در انگلستان به رهبری مارگارت تاچر در تنظیم انحصاری دولت تغییرات محسوسی بوجود آمد. ما ست. برای مقابله با تورم لجام گسیخته برنامه های در زمینه صرفه جویی تنظیم شد که متضمن کاهش اساسی هزینه های دولتی است. بودجه دولت برای حمل و نقل — راه سازی و مسکن و ایجاد مدارس و تأمین حقوق آموزگاران کاهش یافت. در عین حال افزایش ثابتی در هزینه های مستقیم و غیر مستقیم نظامی طرح ریزی شد. ما ست. دولت در نظر دارد که امتیازات و امکانات بیشتری در اختیار صاحبان شرکت های خصوصی و مهم تر از همه مجتمع های انحصاری قرار دهد تا بتوانند موقعیت خود را در رهنه اقتصاد کشور هر چه بیشتر تحکیم نمایند. این اقدامات که بوسیله دولت برنامه ریزی شده، بخشی از استراتژی حزب محافظه کار را تشکیل می دهد که به انحصارات تکیه دارد و میکوشد از نقش بخش عمومی در اقتصاد بکاهد. اجرای این برنامه تأثیر شدیدی در زندگی بخش عظیمی از زحمتکشان انگلستان خواهد داشت زیرا بدین ترتیب منجر به تشدید رکود، رشد چشمگیری بیکاری (که اکنون بیش از ۲ میلیون کارگر است) و تنزل سطح زندگی کارگران و کارمندان و کسان کشور خواهد شد. در جمهوری فدرال آلمان که در پایان دهه ۷۰ موقعیت اقتصادیش بهتر از ایالات متحده و انگلستان بود، ما ست، در جهت تنظیم انحصاری دولت تغییراتی حاصل شده است. دولت آلمان غربی در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ برنامه خاصی برای فعال کردن

بازرگانی از راه سرمایه گذاری های اضافی بخشودگی های مالیاتی و کاهش بودجه اختیار نمود. در سال ۱۹۷۹، با بروز محسوس ترقی قیمت ها، مرکز ثقل سیاست اقتصادی دولت به تنظیم ضد تورمی گرایش یافت. در سایر کشورهای غربی نیز کوشش شد با مداخله انحصاری دولتی نتایج منفی — نظمی های اقتصادی را کاهش دهند. اما بطوریکه نتایج دهه گذشته نشان می دهد هیچیک از این کشورها نتوانستند به هدف تعیین شده نایل آیند.

### بقیه: مهاجرین

— پس چرا همه را نخوردی؟  
— حفظ شان خواهم کرد، تا پس از مرگ به چشمانم بریزند.  
از اینجا و آنجا، علیه و سخنانی بگوش رسید:  
— یعنی چه، مگر کسانیکه قبل از دنیا زفته اند، مرد نیستند؟  
— من که هنوز زنده ام، می گویم، بعد از مردن...  
— پس آنها نیکه مرد اند، بیخودی...  
— آخر آنها مثل من وصیت که نکرده بودند، من وصیت می کنم و طمینان دارم که در دستان تو چون شما، وصایای مرا بجا خواهند آورد.  
سکوتی تیره برقرار شد، سکوتی تیره و مسموم و مسلط. هر کدام از حاضرین تکه کوچکی از میهن خود را، تکه کوچکی از سرزمین مادری خود را، در دست گرفته بود. در این لحظات، خاطرات و آرزوها، در یاد فرد فردشان به جولان در آمد. غم آنان مشترک بود و همه دیگر را بخوبی درک می کردند.  
دیگر همگی به گورستان رفتیم و آب و خاک تقسیم شد. هر بروی مدفن هم وطنان پاشیدیم...  
حزنی سنگین در همه جا حضوری چیره داشت، خورشید گرفته چهره، به سیما های خسته، با اندوه و افسردگی نورمی پاشید، گویی خورشید نیز در غربت بود.  
۱۹۷۸

### بقیه: در هفته گذشته

یکی از مقامات آمریکایی نزدیک به کارتر اعلام داشته است که "کارتر قصد دارد رژیم خمینی را تا انجام انتخابات ریاست جمهوری در نوامبر سال جاری مسیحی سرنگون سازد و یک دولت مایل آمریکا بر سر کار آورد".  
در پی این اعلام خطر جدی یک لحظه نباید درنگ کرد و همچنان به سودهای مختلف سرگرم اختلافات بود.  
امپریالیسم آمریکا هم پیمانان و یادی وی برای اجرای این نقشه شوم کمی تواند صلح جهان را بخطراندازد تا درک وسیعی دید هاند و هر روز بر دامنه عمل آن می افزایند.  
نگاهی گریزان به اخبار هفته گذشته و تیتروژنامه ها از آسیا — ست براندازی و جنگ افزوزانه ایالات متحده آمریکا در برابر جنبش های رهایی ملی و صلح جهانی پرده برمی دارد. قسمتی از این اخبار مستقیم و غیر مستقیم با انقلاب خلقی ایران پیوند دارد. بودجه نظامی ۸/۵۲ میلیارد دلار برای آمریکا تصویب شد (کیهان ۵۹/۶/۶)  
دیدار وزیر خارجه انگلستان از عربستان سعودی (کیهان ۵۹/۶/۴)  
ممکن است قبرس سکوی جدید آمریکا برای حمله به ایران باشد (کیهان ۵۹/۶/۴)  
اعزام یک لشکر پاکستانی به عربستان سعودی (جمهوری اسلامی ۵۹/۶/۱)  
وزیر کشور عراق وارد عربستان سعودی شد (جمهوری اسلامی ۵۹/۶/۵)  
بدنبال این تدارکات رژیم فاشیستی عراق فعالیت خود را علیه جمهوری اسلامی ایران شدت داده است.  
به گفته عزیز شاد عقروای وزیر مشاور دولت بعث عراق که به

سوریه گریخته است، رژیم خون آشام "صدام به ساواکیها و افسران فراری ایران پناه داده و به این فراریان در توطئه علیه ایران کمک می کند".  
توطئه های امپریالیسم منحصر به تمرکز دیوانه و ارنیروهای در ربایی، هوایی و زمینی در فاصله های مرزهای جنوبی ایران نیست؛ بلکه دستگاه عظیم افسوسناز تبلیغاتی و ایدئولوژیک وی در سرا — سرجهان علیه انقلاب ایران و رهبران بحرکت در آمده است.  
علاوه بر جعل اخبار و انواع هرزه بافی های مهوع علیه جمهوری اسلامی ایران که در رسانه های گروهی وابسته به انحصارات غارتگر چند ملیتی در نیای سرمایه داری چاپ و منتشر می شود، اخیراً "کالای بسته بندی شده" تازه ای از زراد خانه شوم امپریالیسم آمریکا و یاد و های غربی وی بیرون آمده است. این کالای تازه تشکیل "کمسیون اسلام شناسان" به کارگردانی ملک حسن و شرکت تنی چند از رعاظ السلاطین کشورهای اسلامی عرب زبان است.  
پیش از این نیز در این زمینه تلاشی انجام گرفته بود. چنانکه در اوایل سال جاری مسیحی "اسلام شناسان" وابسته به انحصارات آمریکا در یکی از دانشگاه های آمریکا سمیناری برای تخطئه اسلام راستین و مقابله با انقلاب ایران تشکیل دادند که سفیر پاکستان در آمریکا نیز در آن شرکت داشت. حاصل کار این سمینار علم کردن "جمهوری اسلامی پاکستان" در دفاع از "اسلام و نجات آن در افغانستان بود.  
امپریالیسم آمریکا تلاش داشت از این راه کشورهای اسلامی را در یک پیمان به دور پاکستان متشکل سازد و جمهوری اسلامی ایران را نیز به این توطئه بکشاند و سپس در سایه "اسلام آمریکایی" انقلاب ایران و افغانستان را سرکوب نماید.  
اکنون پس از شکست این توطئه رسوا در کنفرانس های موسوم به اسلام آباد با شرکت آبرویا ختگانی چون حبیب شطی و آقاشاهی... نغمه تشکیل "کمسیون اسلام شناسان کشورهای

### بقیه: شورای همیاری اقتصادی

اسلامی بلند شده است.  
در توطئه جدید قرار است اسلام راستین رهبر انقلاب ایران در رمضان تهت قرار گیرد و "تکفیر" شود.  
متأسفانه برخی از شخصیت ها، رسانه های گروهی و به ویژه صد اوسیما جمهوری اسلامی ایران بجای افشای شباهت نروزان توطئه های امپریالیسم در رابعاد جهانی سرگرم مسایلی هستند که جز به تضعیف جبهه در رونی و بیرونی نیروهای ضد — امپریالیست کمک نمی کند.  
جای شگفتی است که این اشخاص و رسانه ها در اتم از نمونه های ناکام مبارزات نام می برند، از تجربه تلخ ۲۸ مرداد سخن می گویند، از شکست مبارزات انقلابی شیلی و بنگلادش مثال می آورند، بی آنکه از فلسفه این ناکامی ها پند بگیرند و آن را در عمل بکار برند.  
و از این جابه سخنان امام بازمی گردیم که با ایمان خرد — مند ی بزرگ می گوید "وحدت کلمه ما را پیروز کرد و حالا هم سلاح ما همان وحدت کلمه است".  
به راستی هم با اتکا به وحدت کلمه و دست شستن از افترا، زنی و لجن پراکنی و انحصار طلبی و مسلح کردن نیروهای فعال مردم و به ویژه نیروهای جانبازان انقلاب در میان نیروهای آزموده ضد امپریالیست می توان امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریا — لیسم آمریکا را با همه قدرت جهنمی برانود و آورد. ح. الف